

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله شرایط و کلاء دارالشورای مات و امناء دولت اینکه سؤال نمودید که دوره انتخاب ششم و کلاء دارالشوری شیدالله تعالی ارکانها نزدیک است شرایط و کلاء ملت را بیان نمائید که ایشان صاحب چه صفت باید بوده باشند پس در جواب معروض میدارد که در آقایان و کلاء عظام ایدهم الله تعالی دو شرط لازم است اول وثاقت و عدالت ایشان از جهت اینکه زمام ترقی و آسایش و آسودگی و معاش و امنیت و حفظ جماعت مسلمین در دست تدابیر و تصرف فکر و ملاحظه ایشان است و اگر ایشان عادل و موثق نبوده باشند و دیندار و درستکار و نیکو رفتار نشوند امورات راجعه بگذارشات و حفظ و حراست و زندگی ملت اختلال و روز بروز روی باضمحلال میگذارد و ملت اسلام بفلاکت و بلکه هلاکت واقع میشود و سیاست دولت و پیشرفت آن مبتلای مشکلات و دچار اشکالات میگردد و بالجمله بر اشخاص بدون وثاقت و عدالت و ثوق و اطمینان نمیشود و ملت و دولت از ایشان خاطر جمع نمیگردد و بحسب عقل ضروری مردمان عاقل کار خودشان را بر اشخاص امین و با دیانت و متدین و موثق واگذار میکنند و از اشخاص خاین و بدون دیندار احتراز مینمایند و علاوه بحکم عقل در آیات شریفه نیز امر اکید

و تحریص بلیغ بر این وارد شده چنانکه در سورهٔ توبه فرموده **يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين** یعنی تقوی بکنید و با صادقان و درستکاران و راستگویان باشید و شخص غیر متدین و بدون دیندار و بدون عدالت صادق نیست و صادق آنکس است که در فعل و قول راست و درست باشد و در سورهٔ هود میفرماید **ولا تركزوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار** یعنی میل نکنید بسوی ظالمان و قائل نشوید بآنکسانیکه ظالمند پس مس میکند شما را آتش دوزخ و شخص دیندار و بدون تدین و من غیر عدالت البته ظالم است زیرا که غیر متدین اگر ظلم بر غیر نکند اقلالظلم بر نفس خود میکند و میل بر این شخص حرام و باعث آتش دوزخ است پس انتخاب غیر دیندار و بدون عدالت جایز نیست بصریح آیات مذکوره و در احادیث صحیحه نیز شرط عدالت و تدین در مباشرت بامور مسلمین گردیده چنانکه در کتب اربعه در صحیحه ابن رباب است که سؤال کردم از حضرت کاظم عليه السلام از کسیکه بدون وصیت مرده و اولاد صغار و اموال دارد چه میفرمائید در فروش اموال صغار تا آنکه فرمود عیب ندارد خریدن مال صغار زمانیکه بفروشد کسیکه بر نفع آنها قیام نماید و نظر بکند بآنچه صلاح صغار در آنست و در کافی و تهذیب در صحیحه اشعریست که سؤال کردم از حضرت رضا عليه السلام از کسیکه بدون وصیت مرده و اولاد صغار و کبار و اموال دارد آیا حلال است خریدن چیزی از متاع و خدم آن میت تا آنکه فرمود عیب ندارد زمانیکه ورثهٔ کبار راضی شوند و یک نفر عادل از جانب صغار قیام بر بیع نماید و در

کافی و تهذیب در حدیث ابن بزیر است که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام از کسیکه بدون وصیت مرده و اولاد صغار و متاع و چند نفر کنیز دارد و قاضی عبدالحمید را قیم قرارداد چه میفرمائید در خریدن اموال صغارتا آنکه فرمود زمانیکه بوده باشد مثل تو و مثل عبدالحمید قیم صغار پس عیب ندارد و در فقیه و تهذیب در حدیث سماعه است که سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از کسیکه بدون وصیت مرده و اولاد صغار و کبار و اموال دارد ورثه او در قسمت ترکه چه بکنند فرمود اگر قیام بکنی کنفر مرد ثقه و تقسیم نماید اموال صغار و کبار را پس عیب ندارد و در این احادیث صلاح و عدالت و وثاقت و مثل عبدالحمید بودن قیام کننده بامورات صغار را شرط فرموده اند و بدون این شرط نزدیک شدن بر اموال صغار را جایز نکرده اند پس از این احادیث شرط وثاقت و عدالت و درستکاری و کلاء ملت و امناء دولت معلوم میشود زیرا که اگر در خریدن و فروختن بکنفر کنیز صغیر و در قسمت مال او عدالت و وثاقت و مثل عبدالحمید بودن که از او ثوق و اعدل اصحاب آنحضرت بود شرط باشد پس شرط بودن وثاقت و عدالت و دیانت در وکلاء دارالشوری و امناء دولت و ملت البته شرط خواهد شد پس دلیل عقلی و نقلی از آیات و روایات مذکوره بر شرط بودن وثاقت و عدالت و دیانت در وکلاء عظام دارالشوری ایدهم الله تعالی ثابت شد و جمیع احکام اسلام از حلال و حرام یا بآیات ثابت میشود و یا بروایات صحیحه ثابت میگردد و در اینجا شرط عدالت

و دیانت درو کلاء ملت علاوه بر آیات مذکوره و روایات کثیره به حکم عقل هم ضروری است شرط دویم عالم بودن و کلاء ملت است بمصالح و طریق آسایش و ترقی و زندگی مسلمین و علم ایشان است باقتضای وقت و تمیز مفاسد از مصالح و تشخیص ضرر از نفع و عاید بملت و دولت زیرا که اگر و کلاء دارالشوری عادل و موثق و با دیانت نباشند و علم بمصالح و مفاسد و باقتضای وقت و ترقی و زندگانی و پیشرفت امور دولت و ملت و مذهب نداشته باشند پس وثاقت و دیانت ایشان که شرط اول است فائده ندارد و امورات حیات ملت اختلال و استقلال دولت اضمحلال پیدا میکند و فساد در بلاد و فقر و فاقه در میان عباد ظاهر میشود زیرا که فساد مباشر جاهل و عمل کننده قاصر از اصلاح او بیشتر و خرابی او از اصلاح کردن او زیاد تر میگردد بحکم تجربه و عقل و علاوه بر این احادیث صحیحه نیز بر این شرط وارد شده چنانکه در کافی و فقیه در حدیث ابن زید است که از حضرت صادق علیه السلام شنیدم میفرمود عمل کننده بدون علم و بصیرة مثل سیرکننده در غیر راه است و زیاده نمیکند سرعت سیرکردن او مگر دور شدن او را از راه مقصود او و در کافی در حدیث ابن فضال از آنحضرت است که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده هر که بدون علم و بصیرة عمل بکند فساد او از صلاحش زیاد تر میشود و در تهذیب و عقاب الاعمال و علل الشرایع و محاسن برقی از آنحضرت صلی الله علیه و آله است که من ام قوماً و فیهم من هو اعلم منه لم یزل امرهم الی

السفال الى يوم القيامة یعنی هر که پیشوائی بکند بر قومی و حال آنکه در میان آن قوم کسی هست که از او اعلم است راجع میشود امر آن قوم بسوی خزف و سفال تا بروز قیامت و کار و زندگانی آن قوم مثل خزف بدون فائده میشود و چنانکه کوزه شکسته فائده ندارد امورات آن قوم نیز باصلاح نخواهد آمد و روز بروز زندگانی ایشان خراب و روی بر اضمحلال میگذارد پس در این احادیث صحیحه علم و بصیره با مورات راجعه بر شخص را شرط هر عمل قرار داده اند هر چندی که آن کار جزئی باشد پس شرط عمل و کار و آسایش يك ملت و دولت چه نحو خواهد شد و بالضرورة علم و بصیره کامله باقتضای وقت در و کلاء شرط خواهد گردید زیرا که بصریح احادیث مذکوره عمل کردن جاهل باعث فساد در بلاد است چنانکه در سابق بوده و اگر یکصد سال و بلکه پنجاه سال قبل از این شاه و وزیر دولت اسلام و ملت ایران عادل و عالم باقتضای وقت و بصیر بر ترقی ملت و دولت میبودند هرگز ما اسلامیان باین فلاکت و عدم قدرت واقع نمیشدیم و بلکه ما نیز مثل سائر دول صاحب ثروت و آسایش و آسودگی میشدیم و کارخانجات و معادن آماده شده و خطوط آهن در ایران فراهم شده بود و سبب این ذلت و پریشانی ملت و عدم ثروت دولت در این زمان جاهل بودن و بدون عدالت شدن اولیاء امور دولت در زمان سابق است و از این جهت اعلم بودن را در پیشوایان دین مبین در قرآن و احادیث شرط فرموده اند و علم را بنور و جهل را بظلمت و عالم را بزنده و جاهل را بمرده تشبیه

کرده‌اند و علامت عدالة که شرط اول است با عمل باحکام اسلام از نماز و زکوة و حج و جهاد و خمس و صیام ظاهر میشود و علامت علم باقتضاء وقت و سیاست که شرط دویم است با نوشتن و گفتن حقایق و تجربه معلوم میگردد و بدون علم و تدین و عدالت بکسی وثوق نمیشود زیرا که اگر کسی بدین خود عاقل نشود و برخداوند و بر دین پیغمبر ﷺ نصرت نکند پس اودر وکالت خود بملت و دولت حمایت نمیکند از جهت اینکه ملت اسلام از صاحب شرع انور بالا تر نیست پس در انتخاب وکلاء دقت بسیار لازم است از برای مسلمانان واقعی .

حرره الاحقر الارومی عرب باغی دهم رجب

(در غره ربیع الاول در سنه ۱۳۴۴)